دریچه

ثبت یک رکورد جدید

توفان «پاتان» بریتانیا را هم گرفت

همدلی|«پاتان» با اقبال سینماروها، به دومین فیلم پرفروش آخر هفته بریتانیایی‌ها بدل شد و بعد از «آواتار ۲» قرار گرفت. به نقل از اسکرین دیلی، «پاتان» جدیدترین فیلم شاهرخ خان در گیشه‌های بریتانیا و ایرلند با اقبال مردم رو به رو شد و در مکان دوم پرفروش‌ترین فیلم‌ها جای گرفت.در همین حال «آواتار: راه آب» برای هفتمین هفته متوالی در صدر جدول فروش جای داشت و در ۳ روز آخر هفته ۲.۱ میلیون پوند فروخت تا آمار فروشش در بریتانیا را به ۷۰.۷ میلیون پوند برساند.«پاتان» در ۳ روز اولین اکرانش در بریتانیا ۱.۴ میلیون پوند فروخت و عنوان بیشترین فروش یک فیلم هندی در بریتانیا در روز شنبه را از آن خود کرد.در همین حال «آواتار: راه آب» در هفتمین آخر هفته اکرانش تنها کاهشی ۲۴ درصدی را تجربه کرد و اگر فقط یک هفته دیگر در صدر بماند به رکورد «تنت» کریستوفر نولان می‌رسد که در پاییز ۲۰۲۰ هشت هفته صدرنشین مانده بود.«آواتار ۲» اکنون شانزدهمین فیلم پرفروش تمام دوران در بریتانیا و ایرلند است و پس از «انتقام‌جویان: جنگ ابدیت» جای دارد که سال ۲۰۱۸ توانست ۷۰.۸ میلیون پوند بفروشد. البته «آواتار ۲» بالاتر از «آواتار» اصلی جای گرفته که در این مقطع از اکران آمار فروشش ۶۵ میلیون پوند بود ولی البته این فروش را افزایش داد و در نهایت به رقم فروش ۹۴ میلیون پوند رسید. اکشن «هواپیما» با بازی جرالد باتلر که همین هفته اکرانش را در بریتانیا شروع کرد از اکران در ۲۱۶۲ سالن سینما فروشی ۱.۱. میلیون پوندی را رقم زد که کافی بود تا «فابلمن‌ها» ی استیون اسپیلبرگ را پشت سر بگذارد که فروشی یک میلیون پوندی را تجربه کرد.از دیگر فیلم‌های هالیوودی در بریتانیا می‌توان به «بابل» به کارگردانی دمین شزل اشاره کرد که در دومین آخر هفته اکرانش با کاهشی ۵۰ درصدی در مجموع ۲.۶ میلیون پوند فروش کرده و نیز «مردی به نام اوتو» سونی با بازی تام هنکس هم در مجموع ۴.۴ میلیون پوند و «امپراتوری نور» سم مندس در سومین آخر هفته اکرانش در مجموع ۳.۳ میلیون پوند فروش کرده است.در همین حال، فیلم چینی «زمین سرگردان ۲» تنها با اکران در ۵۸ سالن سینما میانگین عالی حدود ۵هزار پوند برای هر سینما را کسب کرده که بهترین افتتاحیه برای فیلمی چینی زبان در بیش از ۱۵ سال اخیر است. این فیلم دومین فیلم پرفروش این روزهای سینمای چین است.«اشباح اینیشرین» که ۹ نامزدی در اسکار کسب کرده نیز با این موفقیت در میان نامزدهای اسکار، ۱۰ درصد بر فروشش افزوده شد و حدود ۴۵ هزار پوند دیگر فروخت تا پس از ۱۵ هفته مجموع فروشش به ۹.۴ میلیون پوند برسد.

اصراری برای جنجالی بودن، نیست

منتقدان همکار افخمی در «هفت» مشخص شدند

همدلی| تهیه‌کننده سری جدید برنامه «هفت» که با اجرای بهروز افخمی از شبکه نمایش پخش می‌شود، از امیر قادری و میلاد دخانچی به‌عنوان منتقدان این فصل از برنامه یاد کرد.محمد تنکابنی؛ تهیه کننده «هفت» با اشاره به این برنامه سینمایی که از فردا و همزمان با جشنواره فیلم فجر از آنتن شبکه نمایش پخش می‌شود، درباره منتقدان برنامه، بیان کرد: امیر قادری و میلاد دخانچی دو منتقدی هستند که در این برنامه حضور خواهند یافت.او در توضیحی از این ترکیب عنوان کرد: ما در برنامه‌های سینمایی پیش از این هم، این بحث را داشتیم که ترکیبی داشته باشیم که منتقدی از منظر سنت نقدنویسی سینمایی به نقد فیلم‌ها بپردازد و منتقد دیگری هم از منظر بینارشته ای و مطالعات فرهنگی آثار را تحلیل کند که با مدیریت بهروز افخمی هم به نظرم جذاب خواهد شد.تنکابنی درباره فضای برنامه و اینکه چه رویکردی خواهند داشت توضیح داد: سعی داریم در بحث سینما و جشنواره برنامه‌ای محترم داشته باشیم و اصراری در اینکه برنامه جنجالی داشته باشیم نداریم.او درباره اینکه با توجه به سکوت خبری که در ساخت بسیاری از فیلم‌های امسال و وقایع اخیر رخ داده است با چالشی نسبت به حضور کارگردانان در تلویزیون مواجه هستند یا خیر؟ عنوان کرد: فکر نمی‌کنیم با چالش رو به رو باشیم. تهیه کننده «هفت» در پاسخ به واکنش‌ها نسبت به کوچ برنامه هفت از شبکه سه به شبکه نمایش و اینکه ممکن است به برنامه‌ای خنثی بدل شود عنوان کرد: سینما شئون و وجوه مختلفی دارد که بخشی زیادی از آن در برنامه‌های سینمایی مغفول مانده است. سینما شامل صنعت، رسانه، هنر و تجارت است اما احساس می‌کنیم مهمترین شئون سینما در این سال‌ها مغفول مانده و بیشتر مسائل روزمره و صنفی پوشش داده شده است. تلاش ما این است که به همه‌ی این مسائل پرداخته شود.تنکابنی در پایان درباره اینکه محدودیتی در دعوت از سینماگران دارند یا خیر گفت: هر کسی که ایران برایش مهم باشد با نگاه معطوف به امر ملی حرف بزند حتماً در برنامه از او دعوت خواهیم کرد.

نگاهی به جنجال‌های اخیر «علی‌اکبر رائفی‌پور»

حاشیه‌های بی‌پایان سلبریتی ارزشی

همدلی| **سارا حیدرنژاد**| اولین بار شاید بسیاری از دانشجویان نیمه‌های دهه هشتاد با داغ شدن موضوعات مربوط به فراماسونری و البته عجایب دلار آمریکایی ویدیوهایش را دیدند؛ در آن ایام البته هنوز نه تلگرام و واتساپی بود و نه اینستاگرامی که در اصطلاح ویدیوها و سخنرانی‌ها در آن وایرال بشود اما همین‌که یک ویدیوی عجیب‌وغریب منتشر می‌شد سر از یوتیوب درمی‌آورد و در خوابگاه‌های دانشجویی بارها و بارها از سوی دارندگان لپ‌تاب برای دیگران پخش می‌شد. در همان روزها سخنرانی‌های خنده‌دار حجت‌الاسلام دانشمند و البته ویدیوهای حسن عباسی درباره فیلم‌های ژانر وحشت هالیوود هم میان جوانان دهه هشتاد دست‌به‌دست می‌شد. در آن روزها البته شاید کسی که خودش هم فکر نمی‌کرد روزگاری برسد که نه‌فقط رسانه‌های اصلاح‌طلب که روزنامه‌ها و مطبوعات جریان اصول‌گرا هم به طرح انتقادهای تند علیه او بپردازند چون در آن زمان اصلاً بنا نبود«علی‌اکبر رائفی‌پور» به این حد از شهرت در میان طبقات مختلف فکری در ایران دست پیدا کند.

نکته جالب‌توجه درباره او در تمام این سال‌ها اما این بود که این جوان دهه شصتی در همه دوران فعالیتش به‌جز نهایتاً تعداد انگشتان دودست در رسانه ملی حاضر نشد و باید اقرار کرد که شهرت او بیش از همه، برساخته برخی محافل سیاسی و تبلیغات رسانه‌ای پشت آن بود

در این میان اما بارها و بارها بسیاری از گروه‌ها و طبقات تخصصی و شغلی در ایران، معترض شیوه بیان او شدند و کم اتفاق نیفتاد که پزشکان، پرستاران، ورزشکاران، موسیقیدانان، روحانیون، سلبریتی‌ها، روزنامه‌نگاران و در عمل اغلب کسانی که در دایره گروه درس‌خوانده در ایران قرار می‌گیرند، رودرروی او ایستادند و به سخنان تند و حتی گاهی به‌دوراز شئون و آداب معمول او واکنش نشان دادند.

البته محدوده انتقادها به رائفی‌پور تنها محدود به افراد نبود و در طول بیش از یک دهه که او در کوران شهرت قرار گرفت و همه ویژگی‌های طبقه موردانتقاد خود یعنی سلبریتی‌ها را پیدا کرد و به یک سلبریتی تمام‌عیار بدل شد، از سوی سازمان‌ها و نهادها و وزارتخانه‌ها هم مورد نقد قرار گرفت. برای نمونه در طول این سال‌ها اعلام شد که او از سوی وزارت ارتباطات به خاطر سامانه پارازیتی ادعاشده توسط او و خود و همچنین از سوی معصومه ابتکار در دوران تصدی معاونت رئیس‌جمهور تحت پیگرد قضایی قرار گرفته است.

آخرین فقره از انتقادها علیه علی‌اکبر رائفی‌پور چند روز قبل و از سوی بهزاد عبدی؛ نوازنده و آهنگساز مطرح ایرانی که امسال قرار بود به‌عنوان دبیر جشنواره موسیقی فجر در این رویداد حاضر شود، مطرح شد. داستان ازاین‌قرار بود که عبدی یک ویدیو مربوط به سخنرانی‌های سال‌های قبل رائفی‌پور را در صفحه اینستاگرامی خود منتشر کرد که حاوی سخنان عجیب‌وغریبی از سوی او درباره موسیقیدانان و به‌طورکلی فعالان حوزه موسیقی در طول تاریخ بود.

بهزاد عبدی در ادامه هم نوشته بود: «من بهزاد عبدی تا امروز و این لحظه علی‌رغم تمام اتفاقات، تمام بی‌مهری‌های بسیار و حتی میل باطنی‌ام در شرایط موجود، به وظایف و توافق‌هایم پای‌بند بوده و تمام توان و تلاشم را برای ارتقای هنر و موسیقی این سرزمین به کار گرفته‌ام. ولی امروز و در این زمان موجودی با نام و نشان «رائفی‌پور» دهان گشوده و به قشر عظیمی از هنرمندان موسیقی، وقیحانه توهین می‌کند. درصورتی‌که ایشان رسمی از هنرمندان موسیقی این کشور، عذرخواهی نکند، دیگر هیچ مسئولیتی را برای موسیقی عزیز کشورم، قبول نخواهم کرد و استعفای خود را از این مسئولیت اعلام می‌دارم.»

البته دیری نگذشت که وزیر ارشاد؛ محمدمهدی اسماعیلی با ابراز تأسف درباره انتشار چنین ویدیویی با تأکید بر اینکه وزارت تحت امر او هیچ توهینی را به جامعه هنری نجیب ایران برنمی‌تابد، به اداره کل حقوقی این وزارتخانه دستور داد تا ماجرا را پی‌گیری کند.

خبرآنلاین درباره این ماجرا نوشت: «چند نکته قابل‌توجه است که باید گفت، اولاً رائفی‌پور هیچ انتسابی به هیچ نهادی در نظام ندارد و نماینده گفتمان رسمی نیست و دیدگاه‌های خودش رو بیان می‌کند ثانیاً اگر قرار است این فرد هر چه خواست بگوید، دیگران هم حق داشته باشند به او پاسخ بدهند با برخورداری از همان امتیازات رائفی پور! ثالثاً واقعاً حیرت‌انگیز است که این‌همه سال رائفی‌پور مدام در حال توهین و تولید نفرت در سطح جامعه است اما نهادهای مربوط مانند وزارت ارشاد، صداوسیما، حوزه هنری و ... همچنان سکوت کردند. هر بار که او توهینی کرد و متأسفانه، هیچ‌کس جلویش نایستاد باعث شد بیش‌ازپیش به خود غره شود و این رویه را ادامه دهد. حتی برخی از او به‌عنوان «سردار قلم» یاد کردند!»

با موضع‌گیری وزیر ارشاد و البته بعدازآنکه بهزاد عبدی اعلام کرد اگر رائفی‌پور از سخنانی که مطرح کرده، عذرخواهی نکند از دبیری جشنواره موسیقی فجر استعفا خواهد داد، یک ویدیوی چنددقیقه‌ای در صفحه موسیقی موسسه مصاف به مدیریت علی‌اکبر رائفی‌پور منتشر شد که نکات جالبی را در خود داشت. نکته مهم آنکه سخنان او با توضیح درباره جهت‌گیری‌های گروهی گمنام آغاز شد که در این چندماهه مدام در حال تقطیع ویدیوهای او هستند و بعد هم گفت دقیقاً چند روز بعد از انتشار گسترده ویدیویی که بر اساس آن مرا به توهین به امیرالمؤمنین متهم کرده بودند، نوبت به انتشار این ویدیو رسید:«عزیزانی که گفته‌های ما را پیگیری می‌کنند، می‌دانند که این چند وقت فقط شهاب‌سنگ از سروکله‌مان نباریده است. از ماجرای خلیج‌فارس قصه شروع شد، بعد کشید به فیلمی که مال سال ۹۲ بنده بود و یکی از سلبریتی‌ها پخشش کرد، بعد ماجرای قصه‌هایی که با بعضی از حوزوی‌ها پیش آمد و الآن هم موسیقی. دقت بفرمایید که ممکن است یکجایی انتقادی وارد باشد(که گاهی حتماً هم هست) منتها آن کلمه حقی است که اراده باطل پشتش است... . این صحبت‌های من درباره موسیقی مال ۱۲ سال پیش بوده است. بروی سخنرانی ۱۲ سال پیش را برداری و قطعاً تکه‌تکه کنی؛ اصلاً لباس‌های من عوض می‌شود. یکی از خواننده‌ها یک استوری گذاشت که بعدش وایرال شد. بعدش که برخی از دوستان اصلش را برای او فرستاده بودند که او دوباره استوری کرد حالا آن را دیدی، این‌طرف را هم ببین. من چطور می‌توانم در مقابل موسیقی بایستم وقتی خودم واحد موسیقی دارم. موسسه ما واحد موسیقی دارد و کلی از هنرمندان موسیقی به موسسه ما رفت‌وآمد دارند؛ چطور چنین چیزی ممکن است؟ من اصلاً علاقه دارم و موسیقی را دنبال می‌کنم.» او در ادامه به «یک جریان حساب‌شده برای ایجاد تقابل میان او و طبقات و گروه‌های مختلف و البته مورد تائید در جامعه» اشاره کرد و گفت که دارند با برنامه جلو می‌روند. البته بعد هم با اشاره به تهدید بهزاد عبدی مبنی بر اینکه اگر رائفی‌پور عذرخواهی نکند، استعفا خواهم داد، گفت: اگر عزیزی از این ویدیو(و نه از سخنان خود او) آزرده شده، من از او عذرخواهی می‌کنم. البته که سخنان آقای رائفی‌پور برای تلاش عده‌ای در جهت تخریب او آن‌هم در این برهه، بدون شک محل تفکر است، اما یک نکته مهم و اساسی را هم نباید از یاد برد. این سخنان درباره اهالی موسیقی حتی اگر مربوط به ۱۲۰۰ سال قبل هم باشد به‌هرحال از دهان آقای رائفی‌پور خارج شده و با فرض بر اینکه تکه‌تکه هم شده باش و البته از میان همه سخنان او به شکل گزینشی انتخاب شده باشد نیز، بازهم توهین است و واقعاً ظالمانه. طبیعتاً علی‌اکبر رائفی‌پور ۱۲ سال قبل که به گفته خودش از عمر ویدیوی منتشرشده می‌گذرد به شهرتی که امروز دارد، نرسیده بود و به همین جهت هم بسیار از سخنانش در آن دوران موردتوجه قرار نگرفت. البته نباید از این نکته هم صرف‌نظر کرد که در آن روزگار از فضای مجازی خبری نبود اما حالا که او خود یک سلبریتی تمام‌عیار است، باید منتظر باشد که بسیاری از سخنان مطرح‌شده از سوی او در دوران گمنامی در این روزگار مورد بازبینی قرار بگیرد.

عروسکی از دل یک مورچه درآمد و ناگهان غیب شد

در آرزوی تولد یک کلاه قرمزی دیگر!

همدلی| اگر در ایران زندگی کرده و کودکی و جوانی را همین‌جا گذرانده باشید، بدون‌شک با «کلاه‌قرمزی» چند سالی را زندگی کرده‌اید یا دست‌کم در بخشی از خاطرات‌تان یادش می‌کنید؛ پسرکی دل‌وزبان‌یکی، با پیژامهٔ سبز و پیراهن راه‌راه آبی که یک‌ریز روده‌درازی می‌کرد و اگر قلبش از جنس اسفنج نبود، احتمالاً امروز مرد بزرگی شده بود و خودش فرزندی داشت. اما حالا مدتی است که این «همدم و همکار مجری»، بین مناسبات آدم‌بزرگ‌ها گم شده؛ خاطراتش کم‌وبیش در حافظه‌ها پرسه می‌زند اما جسمش میان تیر و تخته‌های آرشیوِ انباری صداوسیما، بی‌صدا می‌پوسد، غافل از این‌که «عروسک‌ها» هرگز بازنشسته نمی‌شوند. به نقل از ایسنا، مرضیه محبوب، طراح و سازندهٔ عروسک‌های مجموعه «کلاه‌قرمزی» چندین سال پیش گفته بود، «کلاه‌قرمزی» در سال ۱۳۶۰ از دل یک مورچه درآمد و «پسرخاله» از یک «پینه دوز»؛ آن‌ها آمدند که مهمان یک برنامه باشند، اما آن‌قدر شخصیت‌های‌شان خوب و جذاب از آب درآمد که ماندگار شدند.

حمید جبلی هم که یکی از اعضای آن گروه بود، برای این عروسک‌ها صدایی ساخت. او بعدها با ظاهری جدید در برنامهٔ «صندوق پست» یا «جغجغه و فرفره» که اوایل دههٔ ۱۳۷۰ پخش می‌شد و ایرج طهماسب اجرای آن را بر عهده داشت، ظاهر شد. موضوع اصلی «صندوق پست» خواندنِ نامه‌های ارسالی بچه‌ها برای این برنامه بود.

«کلاه‌قرمزی» رفته‌رفته سری میانِ سرها درآورد و پس از محبوبیت در تلویزیون، در سه فیلمِ سینمایی بازی کرد؛ «کلاه‌قرمزی و پسرخاله» (۱۳۷۳)، «کلاه‌قرمزی و سروناز» (۱۳۸۱) و «کلاه‌قرمزی و بچّه‌ننه» (۱۳۹۱). در تمام این آثار، محورِ اصلی «کلاه‌قرمزی» بود و عروسک‌های دیگری نیز در کنار او حضور داشتند؛ «پسرخاله» این همپای همیشگی، در تمام فیلم‌ها پابه‌پای او درخشید.

«کلاه‌قرمزی» در سال ۱۳۸۵ در یک مجموعه چهار قسمتی به نام «کلاه‌قرمزی در فرنگ» به شبکهٔ نمایش خانگی راه پیدا کرد تا اینکه از سال ۱۳۸۸ با همراهی چند عروسک دیگر مانند «پسرعمّه‌زا»، «گیگیلی» و ... در قالب جُنگ نوروزی دوباره پایش به تلویزیون باز شد. برنامه‌های نوروزی کلاه‌قرمزی از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ ادامه داشت و هر سال شخصیت‌های عروسکی جدیدی به این مجموعه اضافه می‌شدند؛ «جیگر»، «ببعی»، «دیبی»، «فامیل دور»، «بچّهٔ فامیل دور»، «دختر همساده»، «آقای همساده»، «گابی»، «عزیزم ببخشید»، «گدا» و... هرکدام به نحوی پای ثابت این مجموعه شدند.

علی‌رغم این‌که «کلاه‌قرمزی» با استقبال و بازخوردهای قابل قبولی از سوی مردم مواجه بود، اما در آخر، رویای شیرین عروسک‌های دوست‌داشتنی این مجموعه، به‌دلیل اختلافات سالانه میان سازندگان اثر و مدیران صداوسیما به پایان رسید و باعث به تعویق افتادن زمان پخش و در نهایت به قطع پخشِ «کلاه‌قرمزی» منجر شد. زمزمه‌های قطع این همکاریِ در سال‌های ۱۳۹۵ (در پی فوت دنیا فنی‌زاده، عروسک‌گردان کلاه‌قرمزی)، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ به گوش می‌رسید؛ کما این‌که با وجود ساخت و تولید این سه فصل از مجموعه، صداوسیما حاضر به پخش آن‌ها نشد. در سال‌های غیبت عروسک‌های مجموعه «کلاه‌قرمزی»، بسیاری از مخاطبان و دوستداران آن در فضای مجازی با طرح مسئله از ایرج طهماسب و حمید جبلی خواستار تولید و پخش قسمت‌های تازه‌ای از این مجموعه خارج از صداوسیما شدند اما چنین چیزی قانوناً ممکن نیست و گردانندگان نیز صراحتاً این مسئله را اعلام کردند؛ چراکه «حق انتشار یا کپی رایت» این مجموعه متعلّق به سازمان صداوسیماست و سازندگان آن نمی‌توانستند بعد از کوچ از صداوسیما، عروسک‌ها را خارج کنند. از آن‌جایی‌که صداوسیما برنامه‌ای برای تولید اپیزودهای جدید با این عروسک‌ها ندارد و از طرفی دیگر خالقانِ این مفاهیم، تمایلی به همکاری با صداوسیما نشان نداده‌اند، عروسک‌ها به امید روزی که دستی روی سر و گوش‌شان کشیده شود و آن‌ها را به حرکت وادارد، در انبار صداوسیما مدفون شده‌اند. این اولین‌بار نیست که یک مجموعه تلویزیونی به چنین سرنوشتی دچار می‌شود؛ پیش‌تر و بعدتر نیز چنین اتفاقاتی برای برنامه های دیگر، خصوصاً کاراکترهای عروسکی مانند «جناب‌خان» افتاده بود. چنانچه هر بار با توقف برنامه «خندوانه» عروسک جناب خان نیز از آنتن محو شد و حالا که رییس صداوسیما تاکید کرده که فعلا قصد ساخت مجدد این برنامه را ندارند، سرنوشت «جناب خان» هم در هاله ای از ابهام قرار دارد؛ حتی در مقطعی در زمان برگزاری مسابقات جام جهانی این گمانه مطرح شد که جناب خان با ویژه برنامه ای برای جام جهانی به آنتن برمی گردد که این اتفاق هم عملی نشد. و این درحالی است که یکی از بزرگ‌ترین و همیشگی‌ترین پرسش‌های مخاطبان در مواجهه با چنین مشکلاتی این است که چرا دود آتشِ اختلاف سلیقه و مشکلات سازندگان و رسانهٔ پخش‌کننده، به چشم مخاطب می‌رود؟!

شاید در حال حاضر که صداوسیما با مشکل جذب مخاطب دست‌وپنجه نرم می‌کند، بتواند با بیرون کشیدنِ نوستالژی‌های قدیمی، مجدداً جذب مخاطب کند؛ هرچند لازمهٔ اجرایی کردن صحیح آن، «تعامل دوباره با سازندگان» است و البته به روز کردن تولیدات با خواسته های مخاطب امروز. چراکه در غیر این صورت، همانند آنچه در ادامه ساخت سریال هایی مانند «داستان یک شهر» و «روزگار جوانی» در همین اواخر شاهد بودیم نه تنها برگ جدیدی برای صداوسیما رو نمی شود که طعم شیرین فصل های گذشته این مجموعه ها نیز از یادها خواهد رفت.

ضمن اینکه در راستای اختلاف نظرهای صداوسیما با فعالان شبکهٔ نمایش خانگی که این روزها بخش عمده ای از بدنه سینمای ایران را شامل می شوند، به نظر می‌رسد، بهبود این روابط هم حالا سخت‌تر از گذشته شده باشد. اما در شرایطی که در حال حاضر صداوسیما با آن مواجه است، حداقل باید تلاش کند تا جایگزین های جدیدی را برای رفته ها معرفی کند و تحقق این مهم بیش از همه نیازمند همراهی با نیروهای حرفه ای و خلاق است که باید دید آیا در این سالها صداوسیما توانسته چنین افرادی را پرورش دهد یا باید سال ها منتظر بود تا شاید مجموعه ای با موفقیت «کلاه قرمزی» تکرار شود.

رویداد

برای همراهی با زلزله زدگان خوی

رضا صادقی کنسرت خیریه برگزار می کند

همدلی|رضا صادقی؛ خواننده موسیقی پاپ کشورمان از برگزاری یک کنسرت خیریه در روز بیست و پنجم بهمن به نفع زلزله زدگان شهرستان خوی خبر داد.این خواننده مطرح موسیقی پاپ ایران طی روزهای گذشته با انتشار متنی در صفحه شخصی خود از برگزاری یک کنسرت خیریه طی روزهای آینده خبر داده است.در متن منتشر شده از سوی رضا صادقی برای این کنسرت که به تهیه کنندگی میلاد ماهان راد برگزار می‌شود، آمده است:

«همدلی و فراخوان «رنگ لبخند»

این بار همراه با مردم شریف خوی. شب‌های سرد زمستانی رو براشون با همدلی گرم می‌کنیم کنار هم و برای هم، کنسرتی از مردم و برای مردم.تمام عوائد کنسرت (روز ۲۵ بهمن) برای تهیه ملزومات مردم دچار حادثه زلزله خوی هزینه خواهد شد.همراهی و هم صدایی ما «رنگ لبخند خداست برای مردمی اصیل و با شرافت خوی.»

مکان کنسرت به زودی اعلام خواهد شد.

پیکر مسعود سپهر از باغ هنر خانه هنرمندان تشییع می‌شود

همدلی| مراسم تشییع پیکر مسعود سپهر؛ هنرمند طراح گرافیک چهارشنبه ۱۲ بهمن ساعت ۱۰ صبح از مقابل خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. مسعود سپهر هنرمند طراح گرافیک که در پی پیش‌آمد حادثه و بعد از سپری کردن بیش از ۲ هفته بیهوشی کامل، صبح روز ۹ بهمن سال ۱۴۰۱ در بیمارستان شهدای تجریش تهران دار فانی را وداع گفت. او از جمله طراحان پیشرو و اثرگذار طراحی گرافیک ایران بود و از زمان تأسیس انجمن به طور مستمر و دلسوزانه در دوره‌های مختلف هیئت‌های مدیره و کمیته‌ها و در حوزه‌های پژوهشی انجمن فعالیت مهم و مؤثر داشت. مراسم تشییع پیکر مسعود سپهر هنرمند طراح گرافیک چهارشنبه ۱۲ بهمن ساعت ۱۰ صبح از مقابل خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

مسعود سپهر در سال ۱۳۳۵ در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۶ از کالج چاپ لندن فارغ‌التحصیل شد و دارای مدرک لیسانس طراحی گرافیک، تایپوگرافی و برنامه‌ریزی چاپ است. مسعود سپهر در سال ۱۳۵۱ مدرک فوق لیسانس خود را در این رشته اخذ کرد. کرد همچنین دارای مدرک دکترای حرفه‌ای از وزارت فرهنگ و آموزش عالی است و از سال ۱۳۷۲ آموزش تکمیلی را از مرکز آموزشی اپل پاریس دنبال کرده است.نایب رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، طراح گرافیک شرکت طراحی پیتر هچ لندن، مدرس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، عضو کارگروه سه نفره تدوین دروس و بازنگری تصویری واحدهای درسی ارتباطات دانشگاه‌های کشور، تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تهران و صد و هشتاد علامت و نام کتبی برای مؤسسات، شرکت‌ها و محصولات، بخشی از فعالیت‌های هنری مسعود سپهر است.

در تئاتر فجر این دوره

«لیزای بیچاره» به جشنواره رونق داد

همدلی| آخرین روز جشنواره چهل و یکم تئاتر فجر با استقبال تماشاگران از نمایش «لیزای بیچاره» کار روسیه سپری شد. نمایش «لیزای بیچاره» که یک کار موزیکال است، با داستانی فولکلور و عاشقانه روز دوشنبه ۱۰ بهمن ماه در دو نوبت ۱۷ و ۲۰ در تالار وحدت روی صحنه رفت و جزو معدود آثار جشنواره بود که بروشور داشت و تماشاگران پیش از شروع اجرا می‌توانستند اطلاعاتی از داستان کار به دست بیاورند و اسامی گروه اجرایی را هم ببینند.برای اجرای این نمایش تقریبا تمام ظرفیت تالار وحدت و بالکن‌هایش پر شد. ظاهرا اغلب تماشاگران این نمایش، تماشاگران تئاتر بودند و نکته جالب توجه اینکه در اجرای این نمایش برخلاف بسیاری از نمایش‌های جشنواره، هیچ کودکی در سالن دیده نشد. نمایش «لیزای بیچاره» در اجرای دوم میزبان سید جواد طاهری مدیر مجموعه تئاتر شهر، اصغر خلیلی، کارگردان حاضر در جشنواره و ...جمعی از مهمانان روسی بود.هرچند بالانویس این نمایش هم مانند همه نمایش‌های بخش بین‌الملل، گاهی دچار اختلال می‌شد ولی توضیحات بروشور، سادگی داستان کار و بازی خوب بازیگران نمایش که همگی به خواندن هم تسلط داشتند، سبب شد تماشاگران ایرانی به خوبی با کار ارتباط برقرار کنند و برای ساعاتی از تماشای این نمایش لذت ببرند.

نمایش «بی وطن» از برزیل

در همین روز تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر میزبان نمایش «بی وطن» از برزیل شد. این نمایش کاری درباره جنگ و مهاجرت بود که به صورت چند قطعه تک‌گویی روی صحنه رفت.کلام محور بودن این اثر نمایشی و اختلال خیلی زیادی که در پخش بالانویس آن وجود داشت، برقراری ارتباط با آن را قدری دچار مشکل می‌کرد. هر چند بیشتر صندلی‌های تالار اصلی برای اجرای این نمایش پر شد ولی همه تماشاگران تا پایان اجرا در سالن نماندند و بخشی از آنان در میانه اجرا سالن را ترک کردند.تالار چهارسو هم با استقبال تماشاگرانی مواجه شد که برای تماشای نمایش «خواب‌هایم سراغ ترا می‌گیرند» نوشته و کار احسان جانمی به جشنواره آمدند. این نمایش به عنوان کاری از اصفهان روی صحنه رفت و داستان آن در دوران قاجار می‌گذشت.